Journal of Educational Sciences *(JES)*

Original Article

Fall & Winter, 2026, 33(2), 157-176. ISSN (E): 2588-672x
DOI: 10.22055/EDUS.2025.50193.3785 https://education.scu.ac.ir/

An Analysis of School Principals' Perspectives on Reducing Educational Inequalities

Ali Moramazi[1], Saeed Farahbakhsh[2], Iraj Nikpay[3]

1. PhD student in Educational Management, Department of Educational Sciences, Lorestan University, Khorramabad, Iran.
2. Associate Professor of Educational Management, Department of Educational Sciences, University of Lorestan, Khorramabad, Iran.
3. Associate Professor of Educational Management, Department of Educational Sciences, University of Lorestan, Khorramabad, Iran.

Article Info

Received: 08 Oct 2025
Revised: 11 Jan 2026
Accepted: 25 Jan 2026
Published: 23 Aug 2026

Corresponding Author:
Ali Moramazi

Email:
ali.moramazi71@gmail.com

Keywords:
Educational Justice; Border Regions; School Principals; Educational Inequality; Khuzestan Province

Abstract

Achieving educational justice is one of the fundamental requirements of the education system, especially in disadvantaged and border regions. The purpose of this research is to achieve educational justice in the border cities of western Khuzestan province by analyzing the perspectives of school principals on reducing educational inequalities. The research approach was qualitative, utilizing an interpretive phenomenological strategy. Participants were selected through purposeful, criterion-based sampling, choosing individuals who possessed the highest level of knowledge and experience related to the research topic. The sample size was determined based on theoretical saturation; meaning that the interview process continued until the point of saturation-that is, until encountering repetitive data. Data were collected through semi-structured interviews, with a total of 15 school principals from the border cities of western Khuzestan province. The data were analyzed using thematic content analysis based on the model proposed by Braun and Clarke (2006). The findings indicated that six main categories play a key role in achieving educational justice and reducing educational inequalities, which are: 1) structural and managerial challenges of educational justice, 2) infrastructural and geographical inequalities and the digital divide, 3) school management strategies for reducing inequality, 4) human resource challenges and teacher professionalization, 5) contextual educational justice: the need for localization and flexibility in educational programs, and 6) the role of local community participation and social capital. The results of this research can contribute to a deeper understanding of the educational challenges in border and disadvantaged regions, and provide practical solutions for achieving educational justice and reducing educational inequalities within the country's education system.

How to Cite: Moramazi, A., Farahbakhsh, S., & Nikpay, I. (2026). An Analysis of School Principals' Perspectives on Reducing Educational Inequalities, *Journal of Educational Sciences (JES)*, *33*(2), 157-176. https://doi.org/10.22055/edus.2025.50193.3785 [Persian]

Authors retain the copyright and full publishing rights. Published by Shahid Chamran University of Ahvaz. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (CC BY NC)

علوم تربیتی

مقاله پژوهشی

JES JOURNAL OF EDUCATIONAL SCIENCES SHAHID CHAMRAN UNIVERSITY OF AHVAZ

دانشگاه شهید چمران اهواز

پاییز و زمستان ۱۴۰۵، دوره چهارم، سال ۳۳، شماره ۲، ص‌ص: ۱۵۷-۱۷۶.
شاپا آنلاین: ۲۵۸۸-۶۷۲X

DOI: 10.22055/EDUS.2025.50193.3785
https://education.scu.ac.ir/

تحقق عدالت آموزشی در شهرهای مرزی غرب استان خوزستان: تحلیل دیدگاه مدیران مدارس در کاهش نابرابری‌های آموزشی

علی مرمضی [۱]، سعید فرح بخش [۲]، ایرج نیک پی [۳]

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی،گروه علوم تربیتی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.
۲. دانشیار مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.
۳. دانشیار مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۶
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۲۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۵
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱

نویسنده مسئول:
علی مرمضی
ایمیل:
ali.moramazi71@gmail.com

واژه‌های کلیدی:
عدالت آموزشی، شهرهای مرزی، مدیران، نابرابری‌های آموزشی، استان خوزستان

چکیده

تحقق عدالت آموزشی یکی از الزامات اساسی نظام تعلیم‌وتربیت به‌ویژه در مناطق محروم و مرزی است. هدف این پژوهش، تحقق عدالت آموزشی در شهرهای مرزی غرب استان خوزستان با تحلیل دیدگاه مدیران مدارس در کاهش نابرابری‌های آموزشی است. رویکرد پژوهش کیفی و راهبرد مورد استفاده پدیدارشناسی تفسیری بود. مشارکت‌کنندگان از طریق نمونه‌گیری هدفمند و ملاک محور انتخاب شده‌اند؛ به این صورت که افرادی برگزیده شده‌اند که دارای بیشترین آگاهی و تجربه مرتبط با موضوع پژوهش بوده‌اند. تعداد نمونه‌ها بر اساس اشباع نظری تعیین شده است؛ بدین معنا که فرایند مصاحبه‌ها تا نقطه اشباع یعنی تا هنگام مواجهه با داده‌های تکراری ادامه یافت. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری و در مجموع با ۱۵ نفر از مدیران مدارس شهرهای مرزی غرب استان خوزستان مصاحبه به عمل آمد. داده‌ها با روش تحلیل محتوای موضوعی بر اساس الگوی پیشنهادی براون و کلارک (۲۰۰۶) تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که شش مقوله اصلی نقش کلیدی در تحقق عدالت آموزشی و کاهش نابرابری‌های آموزشی ایفا می‌کنند که عبارتنداز: ۱) چالش‌های ساختاری و مدیریتی عدالت آموزشی، ۲) نابرابری‌های زیرساختی و جغرافیایی و شکاف دیجیتالی، ۳) راهبردهای مدیریت مدارس برای کاهش نابرابری، ٤) چالش‌های نیروی انسانی و حرفه‌ای‌سازی معلمان، ۵) عدالت آموزشی اقتضایی: نیاز به بومی‌سازی و انعطاف در برنامه‌های آموزشی، و ٦) نقش مشارکت جامعه محلی و سرمایه اجتماعی. نتایج این پژوهش می‌تواند به شناخت عمیق‌تر چالش‌های آموزشی مناطق مرزی و محروم و ارائه راهکارهای عملی برای تحقق عدالت آموزشی و کاهش نابرابری‌های آموزشی در نظام تعلیم‌وتربیت کشور کمک کند.

استناد به این مقاله: مرمضی، ع.، فرح بخش، س.، و نیک پی، ا. (۱٤۰۵). تحقق عدالت آموزشی در شهرهای مرزی غرب استان خوزستان: تحلیل دیدگاه مدیران مدارس در کاهش نابرابری‌های آموزشی ، علوم تربیتی، (۲)۳۳، ص‌ص: ۱۵۷-۱۷٦. https://doi.org/10.22055/edus.2025.50193.3785

Authors retain the copyright and full publishing rights. Published by Shahid Chamran University of Ahvaz. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (CC BY NC)

مقدمه

آموزش به‌عنوان سنگ بنای توسعه، رشد و پیشرفت است و نقشی محوری در شکل‌دادن به آینده افراد و جوامع داشته (Arbabi & Sobhani, 2023; Meyer, 2021) و همواره از دغدغه‌های دولت‌ها بوده و در زمره مهم‌ترین سیاست‌های عمومی قرار داشته است (Hossein Bar et al., 2021). آموزش ابزاری حیاتی در برقراری عدالت است و مهارت‌ها، دانش و منابع لازم برای موفقیت در زندگی را در اختیار افراد قرار می‌دهد، همچنین کلید باز کردن فرصت‌ها و شکستن موانعی است که افراد را از دستیابی به رشد استعدادها و قابلیت‌های خود بازمی‌دارد (Landi et al., 2020; Rodriguez & Morrison, 2019). در این میان مسئله کیفیت آموزش نیز مطرح هست زیرا کیفیت آموزش، معیاری برای سنجش کارایی یک فرآیند آموزشی است. بهبود کیفیت آموزش می‌تواند به پایان‌دادن به نابرابری و تحقق عدالت آموزشی کمک کند (Ajorloo, 2024).

عدالت یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در علوم‌انسانی و اجتماعی است که تحقق آن ضامن پایداری و تعادل در روابط فردی و اجتماعی جوامع به شمار می‌رود. بررسی عدالت به‌ویژه در زمینه‌های آموزشی، اقتصادی و اجتماعی می‌تواند به شناسایی نابرابری‌ها و اصلاح سیاست‌های ناعادلانه کمک کند. Macleod (2010) عدالت را حیاتی‌ترین عامل نهادهای اجتماعی می‌داند و ازآنجایی‌که آموزش‌وپرورش و مدارس جزء نهادهای اجتماعی هستند بحث عدالت در این محیط‌ها یک نکته کلیدی است (Eslami Harandi et al., 2019). در محیط‌های آموزشی زمانی عدالت تحقق می‌یابد که یادگیرندگان از طریق دروندادها و فرآیندها، بتوانند اهداف علمی، اعتقادی، اجتماعی و آموزشی را کسب کنند (Yamani et al., 2017؛ Mahmoudi et al., 2023). تحقق عدالت آموزشی به معنای فراهم‌کردن فرصت‌های برابر برای یادگیری، بدون تبعیض مبتنی بر قومیت، زبان، جنسیت، موقعیت جغرافیایی یا وضعیت اقتصادی-اجتماعی است (Küçükakın & Gökmenoğlu, 2023). به عبارتی عدالت آموزشی به‌عنوان یکی از ارکان اساسی توسعه پایدار و تضمین‌کننده فرصت‌های برابر برای همه اقشار جامعه، همواره موردتوجه سیاست‌گذاران و پژوهشگران حوزه آموزش قرار داشته است. این مفهوم نه‌تنها به توزیع عادلانه منابع آموزشی اشاره دارد، بلکه به شناسایی و پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع فرهنگی، زبانی و اجتماعی دانش‌آموزان نیز می‌پردازد (Fraser, 2008).

مطالعات پیشین به ابعاد و گونه‌های مختلف عدالت مانند عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای، عدالت تعاملی و عدالت آموزشی پرداخته‌اند (Bani-Asadi et al., 2022). در این میان، عدالت آموزشی[1] به‌عنوان یکی از گونه‌های مهم عدالت برای آموزش‌وپرورش، در این پژوهش‌ها موردتوجه قرار گرفته است. عدالت آموزشی به‌عنوان یکی از اصول بنیادین توسعه پایدار و حقوق بشر در نظام‌های آموزشی جهان موردتوجه گسترده قرار گرفته است (Gooden et al., 2023). Levin (2009) فراهم‌کردن فرصت‌های برابر و عادلانه آموزشی جزئی از عدالت آموزشی است و رسیدن به عدالت آموزشی برای تمام جوامعی که آموزش‌وپرورش را یک جزء مهم در زندگی افراد می‌دانند. امری اصلی به شمار می‌رود (Eslami Harandi et al., 2019). به عبارتی دیگر عدالت آموزشی بنیان فکر و فرهنگ یک جامعه است و زمینه برخورداری افراد را از امکانات برابر آموزشی فراهم می‌آورد (Babadi Okasheh et al., 2008; Sadat Ghoreishi Khorasgani et al., 2021). البته عدالت آموزشی را نباید تنها در مهیاکردن امکان دستیابی به تحصیل و مدرسه برای

1- Educational justice

همه دانست؛ بلکه مقصود از عدالت آموزشی این است که همه امکانات آموزشی باید به طور مساوی در همه شهرها و روستاها، در مناطق محروم و عشایر در دسترس باشد و فرصت‌های یادگیری برابر برای رشد و یادگیری همه افراد ایجاد شود که با استعدادها، توانمندی‌ها، علائق و یادگیری افراد تناسب داشته باشد. در واقع عدالت آموزشی به مهیاسازی فرصت‌های برابر، متناسب با نیازهای ویژه هر فرد اشاره دارد؛ زیرا افراد در دانش، مهارت، توانایی، انواع یادگیری و پیشینه فرهنگی و نیازهای آموزشی با هم متفاوت هستند (Rezvani et al., 2020). در مقابل این مفهوم، بی‌عدالتی آموزشی، اولین‌بار توسط Bempechat et al. (2013) به‌عنوان "بخشی از موضوع گسترده‌تر بی‌عدالتی در فرصت‌های آموزشی" تدوین یافت (Bani-Asadi et al., 2022).

در این میان، نقش مدیران مدارس به‌عنوان رهبران آموزشی در تحقق عدالت آموزشی بسیار حائز اهمیت است (Alajmi, 2024; Clayton & Nganga, 2022). مدیران مدارس به‌عنوان رهبران خط مقدم نظام آموزشی، نقش کلیدی در مدیریت منابع محدود، کاهش تبعیض‌ها و ایجاد محیط‌های یادگیری عادلانه ایفا می‌کنند. نتایج پژوهش Theoharis (2007) نشان داد که رهبری مبتنی بر عدالت اجتماعی می‌تواند به کاهش نابرابری‌ها و ارتقاء کیفیت آموزش در مدارس کمک کند. بااین‌حال، در نظام‌های آموزشی متمرکز، مدیران مدارس با چالش‌هایی همچون محدودیت منابع، مقررات سخت‌گیرانه، و کمبود آموزش‌های تخصصی برای مواجهه با شرایط چندفرهنگی روبه‌رو هستند که قابلیت آن‌ها در پیشبرد عدالت آموزشی را محدود می‌کند (Zeinabadi, 2020).

مطالعات بین‌المللی نیز نشان داده‌اند که یکی از ابزارهای کلیدی در مسیر تحقق عدالت آموزشی رهبری پاسخ‌گو به تنوع فرهنگی است (LoBue, 2022). در مناطق متنوع قومی، مدیران مدارس باید قادر باشند بافهم درست از زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان، محیط مدرسه‌ای امن، عادلانه و حامی ایجاد کنند (Clayton & Nganga, 2022). Mahmoudi et al. (2023) در شناسایی و رتبه‌بندی عوامل کلیدی مؤثر بر عدالت آموزشی از میان ابعاد عدالت آموزشی بعد سیاست‌گذاری را رتبه اول سپس برنامه‌ریزی، نیروی انسانی، امکانات، توزیع خدمات رتبه دوم تا پنجم را به خود اختصاص دادند. بعد فرهنگ و جو سازمانی هم در رتبه ششم قرار دادند. Karimi et al. (2024) نیز در پژوهشی نشان دادند استفاده از یک برنامه آموزشی یکسان در جریان آموزش دلالت بر برقراری عدالت/تساوی در آموزش ندارد. بلکه برقراری عدالت آموزشی زمانی محقق می‌شود که متولیان آموزش (اساتید و مراکز آموزشی) با تاکید بر اهمیت نقش و مسئولیت خود در راستای تربیت نیروی حرفه ای و ماهر از طریق ارتقا دانش، نگرش و مهارت آنان متناسب با نیازهای منطقه، جامعه و هم چنین ارتباطات فردی فی مابین در سرتاسر سال‌های تحصیل (از سال اول تا سال آخر) در مراکز آموزش مبادرت نمایند. در همین راستا، پژوهش‌های داخلی جدید نیز بر چندبعدی‌بودن نابرابری آموزشی و ضرورت توجه هم‌زمان به عوامل اجتماعی، منابع آموزشی و ویژگی‌های محیط یادگیری تأکید دارند. Raiesi (2026) نشان داد که ساختار شبکه‌های اجتماعی دانش‌آموزان، سرمایه اجتماعی، دسترسی به منابع آموزشی و پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی خانواده در بازتولید نابرابری‌های آموزشی نقش دارند. همچنین Radmehr et al. (2026) با تأکید بر رویکرد تنوع، برابری و شمول، ضرورت توجه به تفاوت‌های یادگیرندگان و مشارکت ذی‌نفعان را در شکل‌گیری نظام آموزشی عادلانه مورد تأکید قرار دادند. Dahul et al. (2023) نیز نشان دادند ایجاد عدالت آموزشی در آموزش و پرورش، نیازمند اتخاذ رویکردی جامع و فراگیر است که به همه ابعاد نظام آموزشی از جمله تامین منابع، برنامه درسی، پداگوژی، ارزیابی،

پشتیبانی، حکمرانی و مدیریت توجه داشته باشد. تدوین و اجرای سیاست‌ها و برنامه هایی بر اساس این راهبردها، می‌تواند به کاهش نابرابری‌ها در آموزش، ارتقای کیفیت آموزش برای همه دانش آموزان و در نهایت، تحقق عدالت آموزشی در جامعه کمک کند.

بااین‌حال، در ایران، مطالعات محدودی به بررسی دیدگاه‌های مدیران مدارس در مناطق مرزی و چالش‌های آنان در تحقق عدالت آموزشی پرداخته‌اند. این خلأ پژوهشی، ضرورت انجام مطالعه حاضر را برجسته می‌سازد. بنابراین؛ این پژوهش درصدد است با تحلیل دیدگاه مدیران مدارس در خصوص تحقق عدالت آموزشی در شهرهای مرزی غرب استان خوزستان، به شناسایی موانع و فرصت‌های موجود در این مسیر بپردازد و زمینه‌ای برای تدوین راهبردهای ارتقا عدالت آموزشی در این مناطق فراهم سازد. ازاین‌رو، می‌توان این پژوهش را گامی نو و مبتنی بر نیازهای واقعی نظام آموزشی در مسیر دستیابی به عدالت آموزشی دانست.

اهداف پژوهش

شناسایی مهم‌ترین موانع و فرصت‌های تحقق عدالت آموزشی در مدارس مناطق مرزی؛
شناسایی و ارائه راهکارهای پیشنهادی مدیران مدارس برای ارتقای عدالت‌آموزشی در این مناطق.

پیشینه پژوهش

عدالت آموزشی یکی از شاخص‌های کلیدی توسعه انسانی و از موضوعات پرچالش در نظام‌های آموزشی سراسر جهان است. عدالت آموزشی به‌عنوان یکی از اصول بنیادین در نظام‌های آموزشی، همواره موردتوجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران ایرانی و بین‌المللی بوده است. در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی به بررسی چالش‌ها و راهکارهای تحقق عدالت آموزشی در مناطق محروم و مرزی پرداخته‌اند. این موضوع در استان خوزستان به دلیل شرایط خاص جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اهمیت ویژه‌ای دارد، چرا که شاخص‌های توسعه آموزشی این استان در مقایسه با میانگین‌های کشوری وضعیت نامطلوبی را نشان می‌دهند. در ادامه، پژوهش‌هایی که در سطح داخلی و خارجی به موضوع عدالت آموزشی پرداخته‌اند، همراه با نتایج کلیدی آن‌ها ارائه شده است.

پژوهش‌های متعددی به بررسی نابرابری‌های آموزشی در سطوح مختلف پرداخته‌اند. در همین راستا، Hossein Bar et al. (2021) به بررسی نابرابری‌های آموزشی سیستان و بلوچستان و ارائه الگویی برای تحقق عدالت آموزشی پرداخته‌اند و بیشترین تأثیر در بی‌عدالتی آموزشی مربوط به تخصیص ناعادلانه اعتبارات، کمبود امکانات در جغرافیای وسیع استان و وسعت و پراکندگی درون‌استانی، و کمترین تأثیر مربوط به کمبود نیروی بومی قدرتمند وکارآمد در سطح تصمیم‌ها، مطالبه‌گر نبودن مردم و قوم‌گرایانه بودن و چنددسته‌گی مردم در سطح تصمیم‌ها است. Heydarzadegan and Sandoughdaran (2017) نشان دادند که نظام آموزشی مناطق عشایری استان در تمام شاخص‌های نرخ گذر تحصیلی، ضریب بهره‌برداری از فضاهای آموزشی، نرخ تراکم و نحوه توزیع معلمین در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه از وضعیت مناسبی برخوردار نمی‌باشد و فرصت‌های آموزشی آن نابرابر است. Dorban Astaneh and Saadi (2017) در پژوهش آنها، نتایج نشان می‌دهد که رتبه‌بندی استان‌ها از نظر وضعیت آموزش دانش‌آموزان استثنایی به این صورت

است که استان‌های یزد، تهران و البرز جزء رتبه‌های برتر و هرمزگان، سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی جزء رتبه‌های پایین این رتبه‌بندی هستند. اما بااین‌وجود بیشترین میزان معلولین باسواد در استان‌های البرز، سمنان، اصفهان و تهران هستند. Roostaie et al. (2016) نشان دادند که بلوک‌های شهر سقز بر پایه شاخص‌های آموزشی دارای نابرابری فضایی هستند. همچنین الگوی فضایی پراکنش و شکل نابرابری‌های آموزشی در شهر سقز از مدل خوشه‌ای تبعیت می‌کند و طبق نتایج بین نابرابری‌های آموزشی و پایداری اجتماعی شهری می‌توان گفت که رابطه معنی‌دار معکوسی وجود دارد. به این معنی که افزایش نابرابری‌های آموزشی در سطح شهر بر میزان پایداری اجتماعی شهری تأثیر منفی دارد.

Samari et al. (2015) در پژوهش خود شاخص‌های نابرابری آموزشی را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که بین دانش‌آموزان دختر و پسر، بین مدارس شهری و روستایی و بین طبقات اجتماعی مختلف نابرابری وجود دارد اما بین دانش‌آموزان اقوام مختلف ساکن در استان آذربایجان‌غربی نابرابری وجود ندارد. براساس نتایج تحلیل مسیر، شاخص اقتصادی بیشترین تأثیر را بر نابرابری آموزشی دارد. Zare Shahabadi and Bonyad (2014) نشان دادند که نابرابری آموزشی در شهر کازرون با متغیرهایی چون نوع مدرسه، وضعیت تحصیلی، ارزیابی دانش‌آموز از خودش، معدل تحصیلی و وضعیت خانوادگی ارتباط معناداری دارد. Shirkami and Bakhtiarpour (2014) نیز نشان دادند که بین مناطق شهری و روستایی شهرستان دهلران از نظر بهره‌مندی از فرصت‌های آموزشی تعادل مناسبی برقرار نیست و مناطق شهری نسبت به نواحی روستایی و گروه پسران نسبت به گروه دختران در سطح بالاتری قرار دارند. همچنین، Ghasemi Ardehaei et al. (2011) به بررسی زمینه‌های خانوادگی نابرابری فرصت‌های آموزشی پرداختند و رابطه بین نابرابری فرصت‌های آموزشی و پایگاه اجتماعی–اقتصادی را بررسی کردند. به طوری که با تحت تاثیر قرار دادن حساسیت آموزشی والدین و مهارت‌های ارتباطی دانش آموزان، اثر خود را بر نابرابری فرصت‌های آموزشی می‌گذارد.

مطالعات دیگری به مقایسه وضعیت مدارس و امکانات آموزشی پرداخته‌اند. Keramati et al. (2017) در پژوهش خود نشان دادند که وضعیت مدارس به لحاظ میزان نور، تعداد دانش آموزان کلاس، تابلو، وسایل گرمایشی و سرمایشی و چیدمان کلاس و رنگ آمیزی با عملکرد تحصیلی رابطه معنادار داشتند، اما به لحاظ نوع تابلوی کلاس، ارتفاع و فاصله استاندارد تابلو، رنگ آمیزی، تعداد پنجره، نور و روشنایی وضعیت نامطلوب بود و با مؤلفه‌های عملکرد تحصیلی مدارس دولتی و غیر دولتی تفاوت معناداری دارند. Sadat Hosseini Vaez et al. (2017) نیز نشان دادند که وضعیت موجود امکانات و تجهیزات آموزشی در مقایسه با استانداردهای ایران در سطح متوسط قرار داشت و نتایج حاصل از مقایسه وضعیت فضاهای بهداشتی، خدماتی و اداری عدم تطابق با شاخص‌ها را نشان داد. همچنین، پژوهش‌هایی به بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت مدارس پرداخته‌اند. Pahang et al. (2017) نشان دادند که میانگین وضعیت موجود کیفیت مدارس در مقوله‌های ویژگی‌های معلم، مدیر، دانش آموزان، روابط انسانی، خانواده، منابع و روش تدریس به صورت معناداری بالاتر از میانگین متوسط جامعه و در وضعیت مطلوب است. دو عامل امکانات و تجهیزات و اهداف و محتوای آموزشی پایین تر از متوسط و نامطلوب بودند. Babadi Okasheh et al. (2008) راهکارهای گسترش برابری فرصت‌ها و عدالت آموزشی را بررسی کردند و تأسیس انجمن‌های خیرین مدرسه‌ساز در مناطق محروم و توزیع متناسب معلمان باکیفیت را از جمله راهکارهای مهم برشمردند.

در سطح بین‌المللی نیز پژوهش‌هایی در زمینه عدالت آموزشی انجام شده است. برخی از این پژوهش‌ها به بررسی

تأثیر عدالت توزیعی و رویه‌ای بر رفتار سازمانی پرداخته‌اند. Grumme (2017) نشان داد که مسئله بی‌عدالتی در فرآیندهای آموزشی باید در سطوح مختلف از جمله سیاسی و نهادی مورد بررسی قرار گیرد. Bang and Vossoughi (2016) به بررسی روش تدریس مشارکتی و عدالت آموزشی پرداختند و عنوان کردند که مشارکت در کلاس درس باعث خلاقیت در یادگیرندگان و توسعه می‌شود و در بلندمدت عدالت آموزشی برقرار خواهد شد. Marina et al. (2014) نشان دادند که بورس تحصیلی می‌تواند راه‌حل مناسبی برای دانش‌آموزان و دانشجویانی باشد که از عدالت آموزشی محروم بوده‌اند. Eshuchi (2014) به اهداف بلندمدت توسعه و عدالت آموزشی پرداخت و نشان داد که مشارکت والدین در آموزش، یادگیری معنادار را به دنبال دارد و کودکان با موقعیت بهتر، فرصت‌های آموزشی بیشتری دارند. Bracho et al. (2005) به مطالعه خدمات آموزشی باهدف توزیع مناسب آن برای همه افراد جامعه و برقراری عدالت آموزشی پرداختند. علاوه بر این، مطالعاتی به بررسی تأثیر عوامل محیطی و منابع آموزشی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پرداخته‌اند. Fuller and Clarke (1994) نیز نشان دادند که عوامل مدرسه همچون زیرساخت‌های مدرسه، تراکم کلاس، صلاحیت‌ها و تجربیات معلمان و دردسترس‌بودن مواد آموزشی عملکرد دانش‌آموز را افزایش می‌دهند. Turhan (2010) نیز بر ارتباط نزدیک بین عدالت اجتماعی و رفتارهای مدیریتی مدیران مدارس و نقش مدیران مدارس برای اجرای عدالت تأکید دارد.

Putri (2025) نشان داد که علی‌رغم اختصاص ۲۰ درصد از بودجه ملی (APBN) توسط دولت اندونزی برای آموزش، شکاف‌های قابل توجهی در دسترسی به عدالت آموزشی و کیفیت آن، به ویژه در مناطق دورافتاده و در میان جوامع کم‌درآمد، همچنان وجود دارد. عوامل کلیدی مؤثر در ایجاد بی‌عدالتی آموزشی شامل نابرابری‌های اقتصادی، توزیع نابرابر منابع و زیرساخت‌های ضعیف آموزشی است. Ying and Hatta (2025) نیز نشان دادند که مدارس شهری مزایای قابل توجهی در تخصیص منابع نشان می‌دهند که با نسبت معلم به دانش‌آموز پایین‌تر، صلاحیت‌های بالاتر معلمان و منابع فنی غنی‌تر مشخص می‌شود. در مقابل، مدارس روستایی با کمبود قابل توجه منابع مواجه هستند که نابرابری‌های آموزشی را تشدید کرده و مانع آموزش عادلانه می‌شود. Chauhan (2023) در پژوهشی دلایل ناعدالتی آموزشی در دهلی را دسترسی ناکافی به منابع آموزشی، کلاس‌های درس شلوغ، معلمان آموزش ندیده و زیرساخت‌های ناکافی عنوان کرد. مداخلات مؤثر مبتنی بر مدرسه مانند آموزش جبرانی، برنامه‌های حمایت عاطفی، مربیگری و مشارکت والدین برای پر کردن این شکاف‌ها ضروری است.

تحقیقات متعدد در زمینه نابرابری‌های آموزشی نشان می‌دهد که این مسئله یکی از چالش‌های جدی در نظام‌های آموزشی مختلف، به‌ویژه در مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته است. نابرابری‌های آموزشی یک مسئله پیچیده و چندبعدی است که نیاز به توجه و اقدام جدی دارد. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که برای تحقق عدالت آموزشی، باید به عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی توجه کرد و راهکارهای مؤثری برای بهبود وضعیت آموزشی در مناطق مختلف ارائه داد. دستیابی به عدالت آموزشی، نقش حیاتی در ارتقای سرمایه انسانی، توسعه پایدار و ایجاد جامعه‌ای عادلانه و فراگیر دارد. باوجود تلاش‌های انجام شده در سیستم‌های آموزشی مختلف، هنوز نابرابری‌های وسیعی در دسترسی به آموزش باکیفیت و فرصت‌های یادگیری وجود دارد. این نابرابری‌ها، دانش‌آموزان از قشرهای کم‌برخوردار، مناطق محروم و گروه‌های خاصی مانند دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، مهاجران و دختران را از حق آموزش باکیفیت محروم کرده و مانع شکوفایی استعدادها و توانایی‌های آن‌ها می‌شود.

روش

این پژوهش با رویکرد کیفی انجام شد. تحقیق کیفی نوعی تحقیق است که در آن محقق به مطالعه اشیای موجود در محیط طبیعی آن‌ها می‌پردازد و سعی می‌کند پدیده‌ها را برحسب معنایی که مردم به آن‌ها می‌دهند، تفسیر و تفسیر کند (Mohammadpour, 2019). راهبرد مورداستفاده پدیدارشناسی تفسیری است. این راهبرد علاوه بر توصیف تجربیات، بر تفسیر و معناکاوی آن‌ها نیز تأکید دارد و به کشف ابعاد نهفته در تجربه‌های زیسته می‌پردازد. در این پژوهش هدف آن بود که تحقق عدالت آموزشی در شهرهای مرزی غرب استان خوزستان با تحلیل دیدگاه مدیران مدارس در کاهش نابرابری‌های بررسی شود. جامعه موردمطالعه شامل ۱۵ نفر از مدیران مدارس شهرهای مرزی غرب استان خوزستان (شهرستان دشت آزادگان (شهرهای سوسنگرد، بستان، ابوحمیظه، کوت)، شهرستان هویزه (شهر رفیع)، شهرستان حمیدیه) بود. باتوجه‌به ماهیت موضوع، از روش نمونه‌گیری هدفمند و ملاک محور با معیار دستیابی به مشارکت‌کنندگانی که بیشترین آگاهی و تجربه را در زمینه موضوع مطالعه داشتند، استفاده به عمل آمد. معیارهای انتخاب شامل داشتن حداقل ۸ سال سابقه خدمت، دغدغه‌مندی در حوزه عدالت آموزشی، تحصیلات در سطح کارشناسی‌ارشد و بالاتر، فعال‌بودن در فرآیندهای مدیریتی و اجرایی مدرسه و آمادگی برای مشارکت در مصاحبه بود. حجم نمونه بر اساس اصل اشباع نظری تعیین شده است. به عبارتی مصاحبه‌ها تـا نقطـه اشـباع یعنـی تا زمانی ادامه یافت که داده‌های جدیدی حاصل نشده و اطلاعات تکراری به‌دست‌آمده است. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختارمند بود که ضمن حفظ انسجام پرسش‌ها، امکان انعطاف و پیگیری سؤالات تکمیلی را فراهم می‌کرد. مدت زمان هر مصاحبه به‌طور میانگین بین ۴۳ تا ۵۹ دقیقه بود، هرچند در عمل، بسته به شرایط برخی کوتاه‌تر یا طولانی‌تر انجام شدند. در موارد لازم، پرسش‌های تکمیلی و پیگیری‌ها صورت گرفت تا غنای داده‌ها تضمین شود. سؤالات مصاحبه با محوریت تحقق عدالت آموزشی در مناطق مرزی، تغییرات احتمالی در شیوه‌های چگونگی تحقق آن، نظرات مدیران درباره روند تحقق عدالت آموزشی، مقایسه کیفیت اجرای آن در مدارس مناطق مرزی با سایر مناطق دیگر و دیدگاه مدیران دراین‌خصوص تدوین شد. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای موضوعی بر اساس الگوی پیشنهادی Braun & Clarke (2006) استفاده شده است. تحلیل محتوای موضوعی روشی نظام‌مند برای شناسایی، سازمان‌دهی و تفسیر الگوهای معنایی در داده‌های کیفی است که به پژوهشگر امکان می‌دهد تا با تمرکز بر تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان، به درکی عمیق و ساختاریافته از پدیده موردمطالعه دست یابد. این روش به‌ویژه برای پژوهش‌هایی مناسب است که هدف آن‌ها کشف و توصیف تجارب انسانی در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی است. (Nowell et al., 2017). به‌منظور اعتباربخشی و اطمینان از دقت یافته‌های پژوهش حاضر، معیارهای چهارگانه Lincoln and Guba (1985) شامل اعتبار، انتقال‌پذیری، پایایی و تأییدپذیری به‌کار گرفته شد. برای تضمین اعتبار از طریق بازبینی اعضا و مشارکت طولانی‌مدت با مشارکت‌کنندگان افزایش یافت. انتقال‌پذیری با ارائه توصیف‌های غنی و دقیق از زمینه پژوهش و ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان تضمین گردید. برای افزایش عینیت و پایایی، فرآیند کدگذاری داده‌ها نه توسط یک فرد، بلکه توسط گروهی متشکل از سه پژوهشگر و از طریق بحث و تبادل نظر مستمر تا حصول توافق بر سر کدهای یکسان انجام پذیرفت. علاوه بر این، کلیه مصاحبه‌ها ثبت و مستندسازی شد. در نهایت، تأییدپذیری از طریق بازبینی همتایان و بازاندیشی پژوهشگر تقویت گردید. این راهبردها در مجموع موجب ارتقای قابلیت اعتماد و اتکای تحلیل‌های کیفی این مطالعه شد. رعایت ملاحظات اخلاقی از جمله ارائه اطلاعات کافی درباره اهداف پژوهش، اخذ رضایت آگاهانه

از مشارکت‌کنندگان، و تضمین محرمانگی و ناشناس‌ماندن هویت آن‌ها در تمامی مراحل، از اصول اساسی موردتوجه در اجرای این تحقیق بوده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت کنندگان در پژوهش
Table 1. Demographic Information of Research Participants

ردیف Row	جنسیت Gender	سابقه Background	محل خدمت Place of service	تحصیلات Education	زمان Time	نوع مصاحبه Interview Type
1	مرد	13 سال	دشت آزادگان	کارشناسی‌ارشد	47 دقیقه	نیمه‌ساختارمند
2	مرد	13 سال	دشت آزادگان	دانشجوی دکتری	48 دقیقه	نیمه‌ساختارمند
3	زن	23 سال	دشت آزادگان	کارشناسی‌ارشد	51 دقیقه	نیمه‌ساختارمند
4	مرد	31 سال	دشت آزادگان	دانشجوی دکتری	46 دقیقه	نیمه‌ساختارمند
5	زن	12 سال	دشت آزادگان	دکتری	47 دقیقه	نیمه‌ساختارمند
6	مرد	33 سال	دشت آزادگان	دکتری	59 دقیقه	نیمه‌ساختارمند
7	مرد	10 سال	هویزه	کارشناسی‌ارشد	44 دقیقه	نیمه‌ساختارمند
8	مرد	10 سال	هویزه	دانشجوی دکتری	46 دقیقه	نیمه‌ساختارمند
9	زن	21 سال	هویزه	کارشناسی‌ارشد	43 دقیقه	نیمه‌ساختارمند
10	مرد	20 سال	هویزه	دانشجوی دکتری	52 دقیقه	نیمه‌ساختارمند
11	زن	19 سال	هویزه	کارشناسی‌ارشد	46 دقیقه	نیمه‌ساختارمند
12	مرد	13 سال	حمیدیه	کارشناسی‌ارشد	50 دقیقه	نیمه‌ساختارمند
13	مرد	13 سال	حمیدیه	کارشناسی	58 دقیقه	نیمه‌ساختارمند
14	زن	17 سال	حمیدیه	کارشناسی‌ارشد	49 دقیقه	نیمه‌ساختارمند
15	زن	15 سال	حمیدیه	کارشناسی‌ارشد	44 دقیقه	نیمه‌ساختارمند

یافته‌ها

در ادامه، نتایج حاصل از تحلیل داده‌های کیفی پژوهش ارائه می‌شود. این بخش به تبیین و تفسیر دیدگاه‌های مدیران مدارس درباره تحقق عدالت آموزشی در شهرهای مرزی غرب استان خوزستان اختصاص دارد. هدف از ارائه این یافته‌ها، پاسخ‌گویی به دو سؤال اصلی پژوهش است که به ترتیب به چالش‌های تحقق عدالت آموزشی و راهبردهای ارتقای آن از دیدگاه مدیران مدارس می‌پردازند. داده‌های این بخش از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با مدیران مدارس استخراج و بر اساس روش تحلیل محتوای موضوعی موردبررسی قرار گرفته‌اند.

جهت پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش، در مرحله نخست تعداد ۳۷۵ کد اولیه (باز) از داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها استخراج شد. در مراحل بعدی، با حذف کدهای تکراری و ادغام کدهای مشابه، ٦٦ مقوله اولیه (فرعی) شناسایی گردید. سپس این مقوله‌ها بر اساس شباهت‌ها و هم‌پوشانی مفهومی سازمان‌دهی شدند و در نهایت ٦ مقوله محوری (اصلی) به‌عنوان مضامین نهایی پژوهش استخراج شد. این مضامین بازتاب‌دهنده مهم‌ترین نگرش‌ها، چالش‌ها و راهبردهایی هستند که از دیدگاه مدیران مدارس در مسیر تحقق عدالت آموزشی و کاهش نابرابری‌ها در مناطق مرزی وجود دارند.

سؤال نخست پژوهش: دیدگاه مدیران مدارس در خصوص وضعیت موجود و چالش‌های تحقق عدالت آموزشی در شهرهای مرزی غرب استان خوزستان چیست؟

جهت پاسخگویی به این سؤال پژوهش، تعداد ۱۷۱ کد اولیه مرتبط تشخیص داده شد. این کدها پس از فرایند پالایش و ادغام، به ۲۹ مقوله فرعی کاهش یافتند و در نهایت در قالب ۳ مقوله محوری سازماندهی شدند. جزئیات این مقوله‌ها در جدول ۲ مربوط به سؤال اول ارائه شده است.

جدول ۲. کدهای اولیه، مقوله‌های فرعی و مقوله‌های محوری استخراج شده از مصاحبه‌ها برای پاسخ به سؤال نخست پژوهش

Table2. Initial codes, initial categories, and axial categories extracted from the interviews to answer the first research question

مقوله‌های محوری (اصلی) Axial (main) categories	مقوله‌های اولیه (فرعی) Initial (Subsidiary) Categories	کدهای اولیه (باز) Initial (open) codes
چالش‌های ساختاری و مدیریتی عدالت آموزشی	ضعف سیاست‌گذاری و عدم هماهنگی نهادی / نابرابری ساختاری در نظام آموزشی/ ضرورت سیاست‌گذاری در سطح کلان ملی/ نقش سیاست‌ها و مسئولین در تحقق یا عدم تحقق عدالت آموزشی/ وضعیت موجود اجرای عدالت آموزشی/ تأثیر عوامل خارجی بر آموزش/ چالش‌های ساختاری و فیزیکی/ چالش‌های برنامه‌ریزی و محتوای آموزشی / چالش‌های ساختاری و اجرایی/ موانع و چالش‌های اجرای عدالت آموزشی/ نقش سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی/ عوامل مؤثر در تحقق عدالت آموزشی/ ارزیابی سیاست‌های موجود / چالش‌ها و موانع اجرای عدالت آموزشی/ عوامل مؤثر بر عدالت آموزشی	تعریف عدالت اموزشی به‌عنوان توزیع برابر منابع اموزشی، عدم انطباق آموزش با شرایط بومی، تفاوت عملکرد آموزشی میان مدارس برخوردار و محروم، تحقق ناقص عدالت آموزشی در مناطق مرزی، ناکارآمدی سیاست‌های آموزشی در کاهش نابرابری، ناکافی بودن بودجه مدارس، عدم تأمین زیرساخت فیزیکی موردنیاز، کمبود لوازم ابتدایی آموزشی، بی‌توجهی به سرمایه انسانی در آموزش‌وپرورش، محدودیت ارزیابی نیرو در مدرسه، نیاز به سیاست‌گذاری کلان و هماهنگ، هماهنگی بین نهادهای حاکمیتی و تصمیم‌گیر برای تحول آموزشی، نابرابری در امکانات بین مرکز و مرز، توزیع ناعادلانه نیروی انسانی و تجمیع معلمان باتجربه در مدارس مرکز، عدم توازن در توزیع سرانه‌ها و منابع میان مدارس، عدم تعادل در ساختار نیروی انسانی مدرسه (کمبود نیروی اداری در برخی مدارس)، تقویم آموزشی نامتناسب با اقلیم مناطق گرمسیر، نبود عدالت در توزیع وسایل سرمایشی در مناطق گرم، تأکید بر بازتعریف عدالت آموزشی در تمامی سطوح (مدرسه، ناحیه، استان، کشور)، نبود کارگاه‌های مؤثر و مستمر برای ارتقا تخصص معلمان، و...
نابرابری‌های زیرساختی و جغرافیایی و شکاف دیجیتالی	نابرابری در توزیع منابع اموزشی/ فقر زیرساخت‌های آموزشی و فناورانه / تبعیض در تخصیص منابع درون‌استانی/ چالش‌های امکانات و زیرساخت / مصادیق نابرابری آموزشی در خدمات مشاوره و تخصص/ کمبود منابع و امکانات آموزشی/ پیامدهای کمبود امکانات و نیروی انسانی/ کاستی‌های زیرساختی و امکاناتی در مدارس مرزی	کمبود ابزارهای اموزشی در بحران، نامتناسب بودن محتوای درسی با شرایط دانش‌آموزان مرزی، کمبود تجهیزات آموزشی، کمبود امکانات فیزیکی در مدارس مناطق مرزی، گرمای شدید و اختلال در حضور دانش‌آموزان، نبود امکانات سرمایشی در مدارس، فقر امکانات آموزشی نوین، نبود زیرساخت‌های دیجیتال و هوشمند، فاصله زیاد مدارس از محل سکونت، مشکلات جغرافیایی و اقلیمی، تأثیر آب‌وهوا بر استمرار تحصیل، دسترسی محدود به فناوری و اینترنت در مدارس مناطق مرزی، محروم‌ترین نواحی کشور از نظر منابع آموزشی، نبود سیستم‌های هوشمندسازی و ....
چالش‌های نیروی انسانی و حرفه‌ای‌سازی معلمان	کمبود نیروی انسانی متخصص و کارامد/ ضرورت توانمندسازی و حمایت از معلمان مناطق محروم / چالش‌های نیروی انسانی و مدیریت/ چالش‌های نیروی انسانی/ چالش‌های مربوط به نیروی انسانی/ نابرابری در توزیع نیروی انسانی متخصص	کمبود نیروی انسانی متخصص، ضعف در نظام جذب معلم، ضرورت توانمندسازی معلمان، مشوق‌های مادی و معنوی و ویژه برای معلمان مناطق محروم، الگوبرداری از نظام‌های دیگر برای جذب معلم و خدمت در مناطق محروم، کمبود نیروی انسانی ماهر و آموزش‌دیده و متخصص، نبود کارگاه‌های مؤثر و مستمر برای ارتقا تخصص معلمان، تفاوت در پیگیری مدیران در جذب منابع، نبود مشاور متخصص برای کنکور و انتخاب رشته، نبود آموزشگاه‌های علمی و تخصصی، ضعف در نظام جذب معلم، بی‌توجهی به سرمایه انسانی در آموزش‌وپرورش و ...

باتوجه‌به حجم زیاد کدهای اولیه استخراج‌شده، تنها نمونه‌ای از کدهای پرتکرار و معنادار در جدول حاضر ارائه شده است؛ سایر کدها در گزارش تفصیلی پژوهش درج شده‌اند.

مقوله‌های محوری سؤال نخست پژوهش

چالش‌های ساختاری و مدیریتی عدالت آموزشی

این مقوله به موانع کلان و سیستمی در تحقق عدالت آموزشی در مناطق مرزی می‌پردازد. کدهای این بخش نشان می‌دهند که ناکارآمدی سیاست‌های کلان آموزشی، توزیع ناعادلانه منابع (اعم از نیروی انسانی، بودجه و تجهیزات)، تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری، و بخشنامه‌های یکسان بدون توجه به تفاوت‌های منطقه‌ای، از مهم‌ترین چالش‌ها هستند. همچنین، ضعف در برنامه‌ریزی بلندمدت، نبود سازوکارهای شفاف برای ارزیابی عملکرد، و عدم توجه به نیازهای خاص مناطق مرزی (مانند اقلیم گرمسیر یا دوزبانگی) باعث تشدید نابرابری شده است. این مشکلات ساختاری نه‌تنها کیفیت آموزش را کاهش داده، بلکه منجر به فرسودگی نیروی انسانی و کاهش انگیزه مدیران مدارس شده است. برای تحقق عدالت آموزشی، بازنگری در سیاست‌های کلان، تفویض اختیارات به سطوح محلی، و طراحی برنامه‌های منعطف مبتنی بر نیازهای بومی ضروری است. برای نمونه مصاحبه‌شونده‌های شماره (۱) و (٤) و (۱۱) به ترتیب چنین بیان داشتند: «کمبودهای زیادی هستند که قبلاً هم اشاره کردیم ... کلاً سیاست نظام آموزشی نگاه ویژه‌ای به مدارس کم‌برخوردار و مرزی نداشته و این یکی از مشکلاتی که ما الان داریم باهاش دست‌وپنجه نرم می‌کنیم» و «... در واقع این سیاست ناکارآمدی از جمله توضیح ناعادلانه دبیران مجرب و نیروی انسانی متخصص، در واقع توضیح ناعادلانه تجهیزات آموزشی؛ ما اگر تجهیزات آموزشی رو به‌صورت عادلانه در بین مدارس نتوانیم تقسیم کنیم در واقع عدالت آموزشی رو محقق نکرده‌ایم.» و «متأسفانه، عدالت آموزشی در مناطق مرزی معمولاً به‌خوبی اجرا نمی‌شود. این مناطق به دلیل کمبود منابع، زیرساخت‌های ضعیف و دسترسی محدود به آموزش با چالش‌های زیادی مواجه‌اند.»

نابرابری‌های زیرساختی و جغرافیایی و شکاف دیجیتالی

در رابطه با دومین مقوله احصاء شده از بیانات مصاحبه‌شوندگان؛ یافته‌ها نشان می‌دهد که این مقوله شکاف عمیق در امکانات فیزیکی و شرایط جغرافیایی و دیجیتالی مناطق مرزی را بررسی می‌کند. کدها نشان می‌دهند مدارس این مناطق با کمبود شدید امکانات اولیه (نیمکت، آزمایشگاه، کتابخانه)، نبود سیستم‌های سرمایشی/گرمایشی، و دسترسی محدود به فناوری (اینترنت، کلاس‌های هوشمند) مواجه هستند. همچنین، شرایط اقلیمی سخت (گرمای شدید، تعطیلی‌های مکرر) و دوری از مراکز آموزشی، فرصت‌های یادگیری را محدود کرده است. این نابرابری‌های زیرساختی نه‌تنها بر کیفیت آموزش تأثیر منفی گذاشته، بلکه سلامت دانش‌آموزان و معلمان را نیز تهدید می‌کند. برای کاهش این شکاف، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آموزشی، هوشمندسازی مدارس، و طراحی فضاهای متناسب با اقلیم منطقه پیشنهاد می‌شود. برای نمونه مصاحبه‌شونده‌های شماره (۲) و (۳) و (۱۰) در مورد این مقوله چنین بیان داشتند: «... عدالت آموزشی به آن صورتی که باید باشد، در مرکز و مرز نبوده و نیست و این بقیه استان‌های مرزی رو هم شامل می‌شود ... طبیعتا امکانات مرز با مرکز متفاوت هست مثلا امکاناتی که تو پایتخت برای دانش آموزان عرضه می‌شود با امکاناتی که تو استان‌های مرزی عرضه می‌شود، حتما متفاوته ... و نیازمند این هست که امکانات به طور عادلانه پخش شوند» و «مناطق مرزی که دیگه تقریبا ضعیف ترین مناطق کشور هستند ... هم از لحاظ امکانات، کمترین امکانات بهشون تعلق می‌گیرند و هم از نظر نیروی انسانی ... از لحاظ امکانات واقعا مناطق مرزی ضعیف هستند حالا چون مناطق مرزی هم معمولا قسمت جنوب کشور و از نظر آب و هوایی، هوا گرم هست و

امکانات سرمایشی و امکانات هوشمندسازی و سیستم‌های خوبی ندارند. حالا جدای از هوشمندسازی خیلی از مدارس حتی یک سیستم ساده کامپیوتر یا لپ تاپ ندارند و خب این باعث می‌شود که سطح و کیفیت آموزش در این مناطق بسیار پایین باشد.» و «از لحاظ امکانات موارد زیادی رو ما می‌توانیم در واقع بیان بکنیم، توی یک مدرسه در منطقه مرزی، خصوصا مدارسی که دیگه خیلی نزدیک مرز هستند اینا حتی شاید با مشکل نیمکت هم مواجه باشند، از نظر امکانات کمترین امکانات هم در اختیار ندارند، تو بحث نیروی انسانی تفاوت هایی بین مناطق مرزی و مرکز هست، بحث امکانات آموزشی و بحث فضای آموزشی ازجمله شاداب سازیش و شاید بزرگی یک فضا اینا همه از جمله موضوعاتی که می‌توان اشاره نمود.»

چالش‌های نیروی انسانی و حرفه‌ای‌سازی معلمان

مقوله محوری سوم مربوط به سؤال نخست پژوهش، اشاره به چالش‌های نیروی انسانی و حرفه‌ای‌سازی معلمان دارد. کدهای این بخش بیانگر مشکلات جدی در جذب، نگهداشت، و توانمندسازی معلمان در مناطق مرزی است. کمبود نیروی متخصص، انتقال مداوم معلمان به مناطق برخوردار، استفاده از دبیران غیرمرتبط، و نبود دوره‌های آموزشی مؤثر از چالش‌های اصلی هستند. همچنین، نبود مشوق‌های مادی و معنوی (مانند فوق‌العاده شغلی) و ضعف در ارزیابی عملکرد، انگیزه معلمان را کاهش داده است. این مسائل منجر به افت کیفیت تدریس و نارضایتی دانش‌آموزان شده است. برای حل این مشکل، طراحی نظام جذب و نگهداشت نیرو با مشوق‌های ویژه، آموزش‌های مستمر مبتنی بر نیازهای بومی، و مشارکت معلمان در تصمیم‌گیری پیشنهاد می‌شود. در این راستا، مصاحبه‌شونده‌های شماره (۱) و (۷) در رابطه با این مقوله به ترتیب چنین بیان داشتند: «... این معضلات مربوط به نیروی انسانی هست، نیروی انسانی متخصص در مناطق مرزی متاسفانه خیلی کم هست ... / وقتی بدنه یک نظام آموزشی رو بررسی بکنیم بیاییم در دل نظام آموزشی، یکی از عوامل مهم آن، که همان معلم هست رو تقویت بکنیم ما اگه توانستیم معلمون رو توانمندش بکنیم، آن رو متخصص تر بکنیم، آن رو با ابزارهای نوین تجهیزش بکنیم، که بتواند یک کلاس را مدیریت بکند ... بنده به نظرم این هست که معلمان متخصص و معلمان زبده وقتی آنها رو وارد مناطق محروم و مرزی می‌کنیم، باید با نگاه ویژه به آنها، حالا در حق الزحمه شون یا مثلا امتیاز ویژه به آنها بدیم و هم در حکم کارگزینی شان اعمال شود و هم به عنوان یک تشویق مادی باشد هم تشویق معنوی باشد ...» و «... یک موردش هم بحث نیروهای آموزشی و مرتبط و تخصصی بودن آنها و بحث بروز رسانی نیروهای انسانی هم باید مدنظر قرار گیرد ... / ... از لحاظ دیگه توزیع به هنجار نیروها هم می‌تواند کمک شایانی به این مقوله داشته باشد. بعضاً ما داریم طرف لیسانس نامرتبطی دارد، ولی رفته توی یه رشته خیلی تخصصی تدریس می‌کنه، خب اون عدالت آموزشی بازهم زیر سوال می‌رود ...»

سؤال دوم پژوهش: از دیدگاه مدیران مدارس، چه راهبردها و شرایطی می‌تواند به تحقق عدالت آموزشی و کاهش نابرابری‌ها در شهرهای مرزی غرب استان خوزستان کمک کند؟

برای پاسخ به این سؤال، تعداد ۲۰۴ کد باز استخراج گردید. این کدها پس از ادغام به ۳۷ مقوله فرعی کاهش یافتند و در نهایت در قالب ۳ مقوله محوری سازماندهی شدند. جزئیات هر یک از این کدگذاری‌ها در جدول ۳ مربوط به سؤال دوم نمایش داده شده است.

جدول ۳. کدهای اولیه، مقوله‌های فرعی و مقوله‌های محوری استخراج شده از مصاحبه‌ها برای پاسخ به سؤال دوم پژوهش

Table 3. Initial codes, initial categories, and axial categories extracted from the interviews to answer the second research question

کدهای اولیه (باز) Initial (open) codes	مقوله‌های اولیه (فرعی) Initial (Subsidiary) Categories	مقوله‌های محوری (اصلی) Axial (main) categories
نقش مثبت مشارکت اولیا در اموزش و عمران، نقش خیرین در جبران کمبودها، نقش مطالبه‌گری مدیران و مسئولان محلی، تأثیر مثبت خیرین محلی و ملی، جلب مشارکت شیوخ و کشاورزان، تبلیغ در فضای مجازی برای جذب کمک، آموزش مهارتی کاربردی برای دانش‌آموزان، حمایت خیرین از مدرسه و تجهیزات و دانش‌آموزان، مطالبه‌گری فعال و هدفمند، تعامل با اداره کل آموزشی و پرورش و نوسازی مدارس، تجهیز پژوهش‌سراها برای استعدادها، جلب خیرین با طرح‌های کوچک قابل‌اجرا، تعریف پروژه‌های کوچک و اجرایی به‌جای درخواست‌های کلان غیرواقعی، پرهیز از درخواست‌های کلان غیرواقعی، پیشنهاد اجرای طرح پل (چند مدرسه در خدمت یک مدرسه باشند)، پیشنهاد لزوم اجرای کارگاه‌ها و دوره‌هایی برای افزایش تخصص نیروی انسانی و	اقدامات فردی در سطح مدرسه برای کاهش نابرابری/ راهکارهای اجرایی برای بهبود عدالت آموزشی / راهکارهای پیشنهادی برای ارتقای عدالت آموزشی/ راهکارها و الزامات تحول/ راهکارها و الزامات بهبود / راهکارها و پیشنهادات برای ارتقا عدالت آموزشی/ راهکارهای سیاستی و اجرایی/ راهکارها و پیشنهادات عملیاتی/ سیاست‌ها و راهکارهای موردنیاز برای تحقق عدالت آموزشی/ راهکارها و پیشنهادات برای ارتقا عدالت آموزشی	**راهبردهای مدیریت مدارس برای کاهش نابرابری**
نیاز به بومی‌سازی محتوای درسی، تاثیر زبان مادری در نابرابری آموزشی در مناطق دوزبانه، نیاز به بومی‌سازی سیاست‌های آموزشی، تقویم آموزشی نامتناسب با اقلیم مناطق گرمسیر، ضرورت توجه ویژه به مناطق محروم، نظام‌مندشدن ارزیابی وضعیت مدارس (تدوین چک‌لیست امکانات)، تخصیص بودجه خاص برای مناطق مرزی و محروم، نیاز به برگزاری دوره‌های آموزشی در مناطق مرزی، محرومیت اقلیمی در امکانات رفاهی آموزشی، نبود عدالت در توزیع وسایل سرمایشی در مناطق گرم، تأکید بر بازتعریف عدالت آموزشی در تمامی سطوح (مدرسه، ناحیه، استان، کشور)، دریافت امکانات مازاد یا کهنه در مناطق محروم، عدم تناسب خدمات آموزشی با شرایط بومی منطقه، ضعف سیاست‌گذاری بلندمدت برای عدالت آموزشی، کمبود بودجه آموزشی و تأثیر آن بر تحقق عدالت آموزشی، عدم رعایت عدالت آموزشی در توزیع معلمان بین کلاس‌ها، کاهش نیروی انسانی در مناطق مرزی، نبود مشوق‌های شغلی در مناطق مرزی، ضعف در هماهنگی بین وزارتخانه‌ها برای تأمین زیرساخت‌های آموزشی، عدم اختصاص فوق‌العاده شغلی برای مناطق جنگ‌زده یا مرزی، توزیع نامتوازن امکانات بین مناطق مختلف استان، تأکید بر آغاز اصلاح از سطوح بالا (کشور، استان) به سمت پایین (مدرسه)، لزوم تدوین برنامه‌ریزی ملی با چشم‌انداز مشخص برای مناطق مرزی، جذب دانش‌آموزان ترک تحصیل‌کرده از طریق سیاست‌های حمایتی، ضرورت بازنگری در محتوای کتاب‌های درسی، پیشنهاد اعطای اختیارات محتوایی به استان‌ها در تدوین برنامه‌های آموزشی، بازنگری در تقویم اجرایی مدارس متناسب با شرایط اقلیمی استان و ...	نامتناسب بودن محتوای اموزشی با شرایط بومی/ موانع فرهنگی و زبانی/ نابرابری و محرومیت ساختاری در مناطق مرزی/ چالش‌ها و موانع تحقق عدالت آموزشی در مناطق مرزی /چالش‌ها و موانع تحقق عدالت آموزشی در مناطق مرزی / نابرابری‌های منطقه‌ای و بومی‌سازی/ ماهیت و برداشت از عدالت آموزشی / تعریف و اهمیت عدالت آموزشی/ تأثیر عدالت آموزشی بر دانش‌آموزان/ ضرورت دسترسی برابر به منابع / چالش‌های ناشی از عدم اجرای عدالت آموزشی در مناطق مرزی /سیاست‌ها و اقدامات حمایتی/ نقش فناوری در کاهش شکاف‌ها / جایگاه عدالت آموزشی در ساختار اجتماعی/ درک مفهومی از عدالت آموزشی/مفهوم و اهمیت عدالت آموزشی/ تعریف و اهمیت عدالت آموزشی/ تلاش‌ها و برنامه‌های حمایتی موجود/ تعاریف و ابعاد عدالت آموزشی /ماهیت و مفهوم عدالت آموزشی/نقش عوامل بیرونی در تحقق عدالت آموزشی/ تعریف و ماهیت عدالت آموزشی/ تعریف و اهمیت عدالت آموزشی	**عدالت اموزشی اقتضایی: نیاز به بومی‌سازی و انعطاف در برنامه‌های آموزشی**
مشارکت والدین به‌عنوان عامل موفقیت و کمک به تحقق عدالت آموزشی، حمایت خیرین و شوراهای روستاها عامل تحقق عدالت آموزشی، نقش مثبت مشارکت اولیا در آموزش و عمران، نقش خیرین در جبران کمبودها، تأثیر منابع مالی در تحقق عدالت آموزشی، اهمیت نقش خیرین در تجهیز مدارس و تحقق عدالت آموزشی، ضعف در فعال‌سازی انجمن اولیا، پیشنهاد اجرای طرح پل (چند مدرسه در خدمت یک مدرسه باشند)، حمایت انجمن اولیا و خیرین به‌عنوان عاملی جهت تحقق عدالت آموزشی و ...	نقش حمایت‌های مردمی و خیری در جبران کمبودها/ مشارکت محلی و نقش جوامع بومی در تحقق عدالت/نقش والدین و جامعه/نقش خانواده و خیرین	**نقش مشارکت جامعه محلی و سرمایه اجتماعی**

با توجه به حجم زیاد کدهای اولیه استخراج‌شده، تنها نمونه‌ای از کدهای پرتکرار و معنادار در جدول حاضر ارائه شده است؛ سایر کدها در گزارش تفصیلی پژوهش درج شده‌اند.

مقوله‌های محوری سؤال دوم پژوهش

راهبردهای مدیریت مدارس برای کاهش نابرابری

این مقوله اقدامات عملی مدیران مدارس در مواجهه با کمبودها را تحلیل می‌کند. کدها نشان می‌دهند مدیران با جلب مشارکت خیرین آموزشی، تعامل با نهادهای محلی و ملی (مانند شوراها، دهیاران)، و استفاده از خلاقیت شخصی (مانند تأمین بودجه از منابع غیررسمی) سعی در جبران نارسایی‌ها دارند. همچنین، مطالبه‌گری از نهادهای بالادستی، اجرای طرح‌های کوچک مشارکتی و خلاقیتی، و تبلیغ نیازهای مدرسه در فضای مجازی از دیگر راهبردهای مؤثر است. این اقدامات اگرچه بخشی از مشکلات را حل می‌کند، اما به دلیل ماهیت مقطعی و وابسته به منابع محدود، نمی‌تواند جایگزین سیاست‌گذاری کلان شود. بااین‌حال، نشان‌دهنده ظرفیت بالای مدیریت محلی در شرایط بحرانی است. برای نمونه دراین‌خصوص، مصاحبه‌شوندگان شماره (۵) و (۸) به ترتیب چنین بیان داشتند: «... ما منابع مالی و خیرین رو داریم به واسطه همین منابع مالی و خیرین ما تونستیم مدرسه رو مجهز به فناوری کنیم، پروژکتور داشته باشیم و یک سری وسایل و تمهیدات لازم از جهت روحی روانی برای بچه‌ها تهیه کنیم، وجود خیرین و منبع مالی و حمایت بیش از حد والدین، در مدرسه من خیلی به تحقق عدالت آموزشی کمک کرده است / ... با توجه به کمبود منابع مالی که تو منطقه ی خودمان هست، من طرح پل رو پیشنهاد می‌دهم، این طرح به این معنا که ما هر ساله، من می‌گم همه مدارس در خدمت یک مدرسه باشیم اگر بتوانیم سالی یک مدرسه رو به صورت فول و تمام تجهیز کنیم در ده سال آینده مطمئن باشید خیلی مدارس قدرتمندتری خواهیم داشت ...» و «... همین سر زدن خود والدین و شرکت کردن آنها در خود جلسات انجمن و اولیا مدرسه خیلی موثر هست، کمک کردن خیرین آموزشی به مدرسه، سر زدن شوراها در خود مناطق مرزی خیلی مهمه، اگر سر بزنن و بیان و ببینن مدرسه چه چیزی و امکاناتی نیاز داره هم از نظر وسایل گرمایشی و سرمایشی و هم از نظر نور کافی که در مدرسه باید باشد، این‌ها مواردی هستند که شوراها و اولیا خیلی می‌توانند پیگیری کنند و مدیر مدرسه می‌تواند از این ظرفیت‌ها استفاده کند ...»

عدالت آموزشی اقتضایی: نیاز به بومی‌سازی و انعطاف در برنامه‌های آموزشی

کدهای این مقوله بر عدم تناسب برنامه‌های آموزشی با شرایط مناطق مرزی تأکید دارند. محتوای یکسان درسی بدون توجه به تفاوت‌های زبانی (دوزبانگی)، فرهنگی، و اقلیمی، یادگیری را دشوار کرده است. همچنین، تقویم آموزشی ثابت بدون درنظرگرفتن گرمای شدید یا نیازهای محلی، کارایی مدارس را کاهش داده است. این یکسان‌سازی نه‌تنها به عدالت آموزشی آسیب‌زده، بلکه باعث بی‌انگیزگی دانش‌آموزان و معلمان شده است. راه‌حل پیشنهادی، بازنگری در محتوای درسی با مشارکت متخصصان محلی، طراحی برنامه‌های منعطف (مانند تغییر ساعت یا تقویم آموزشی)، و واگذاری اختیارات بیشتر به مدارس برای تطبیق برنامه‌ها با نیازهای بومی است. دراین‌خصوص، مصاحبه‌شونده‌های شماره (۲) و (٦) و (۷) به ترتیب چنین بیان داشتند: «... مورد دیگه ای که می‌توانم اشاره بکنم و شاید روزی هم اجرایی بشود، اینکه تقویم زمانی سال تحصیلی بر اساس آب و هوا تنظیم شود. یعنی کشور حالا به چندتا اقلیم تقسیم شود و یا به صورت استانی اجرا شود، حالا هرچی که متخصصان در این زمینه نظر بدهند. ولی این نباشد که من استان گرمسیر با

استان سردسیر در یک تاریخ مدرسه رو شروع کنیم و در یک تاریک مدرسه مون تموم شود ...» و «... بحث دیگر، بحث تغییر در محتوای آموزشی هست، چون محتوایی که ما می‌خواهیم به مخاطبان ارائه بدهیم، باید متناسب با ویژگی‌های فردی و زبانی او باشد، که بتواند پذیرای آن باشد و مهم تر از آن اینکه مفهوم رو در ذهن دانش آموز ایجاد کند ...» و «پیشنهاد من این هست که از لحاظ محتوا سعی داشته باشیم که چیزهایی به دانش آموزان انتقال بدهیم که مناسب اون منطقه، فرهنگ و زبان خودشان باشد تا بیشتر الفت بگیرند به عبارتی محتوای آموزشی با خود مناطق مرزی هم خوانی داشته باشد ...»

نقش مشارکت جامعه محلی و سرمایه اجتماعی

سومین مقوله احصاء شده از بیانات مصاحبه‌شوندگان، اشاره به نقش مشارکت جامعه محلی و سرمایه اجتماعی دارد. این مقوله نقش مؤثر اما محدود جامعه محلی و خیرین و سرمایه‌های اجتماعی را در جبران کمبودها بررسی می‌کند. کدها نشان می‌دهند مشارکت اولیا، خیرین، و مجموعه‌های محلی (مانند شیوخ یا کشاورزان یا شرکت‌های نفتی موجود) در تأمین تجهیزات، حمایت از دانش‌آموزان محروم، و بهبود فضای آموزشی تا حدی مؤثر بوده است. بااین‌حال، این مشارکت‌ها اغلب مقطعی، نامنظم، و وابسته به ظرفیت‌های محدود محلی است. همچنین، سطح پایین تحصیلات خانواده‌ها و فقر اقتصادی، مشارکت مؤثر را کاهش داده است. برای تقویت این نقش، ایجاد سازوکارهای نظام‌مند برای جلب حمایت‌های مردمی، آموزش خانواده‌ها، و هماهنگی بین نهادهای دولتی و غیردولتی پیشنهاد می‌شود. در این راستا مصاحبه‌شوندگان شماره‌های (۳) و (٦) در خصوص نقش مشارکت جامعه محلی و سرمایه‌های اجتماعی، چنین گفتند: «... همین خیرین آموزشی هم می‌توانند کمک کنند که این نابرابری‌ها کم شود این یک کمکی واقعا برای خود منطقه هم هستش، حالا هم خیرین آموزشی و هم خیرین مدرسه ساز می‌توانند کمک کنند. مثلا ما چند وقت پیش خیرین و شیوخ منطقه رو دعوت کردیم که بیان کمک کنند، چون آنان بیشتر با مردم منطقه در تماس هستند همچنین با کشاورزان منطقه، که الان هم موقع برداشت محصول هست و بالاخره پولی دستشون میاد و اگر توجیه بشوند که کمک کردن و زکات دادن برای مدارس ما هم اولویت دارند، که بتوانیم دانش آموز خوب تربیت کنیم ... این هم یک راهکاری هست که باعث می‌شود که نابرابری‌ها در مناطق مرزی کمتر شود و البته حمایت اصلی که از خود دولت هست، ولی خب در خود مردم منطقه، شاید افراد دلسوزی هم پیدا بشوند، مهم اینکه واقعا باید توجیه بشوند و اطلاع داشته باشند و حتما در این زمینه هم کمک‌های خواهند کرد.» و «... با توجه به ساختار مرزی شهرهای ما و با وجود بحث شرکت‌های نفتی موجود در مناطق مرزی و محلی ما و بحث صنعتی بودن شهرها و هم بحث کشاورزی که وجود دارد به هر حال می‌توانیم این نیروها رو جهت بدهیم به بعد آموزش و از این طریق که عدالت آموزشی انجام شود.»

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد تحقق عدالت آموزشی در شهرهای مرزی غرب استان خوزستان با چالش‌های ساختاری عمیقی مواجه است که ریشه در ناکارآمدی سیاست‌های کلان، توزیع ناعادلانه منابع و بی‌توجهی به شرایط

بومی دارد. تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری و بخشنامه‌های یکسان بدون درنظرگرفتن تفاوت‌های اقلیمی، فرهنگی و زبانی این مناطق، منجر به شکل‌گیری شکاف آموزشی گسترده‌ای بین مدارس مرزی و مراکز استان شده است. از سوی دیگر، کمبودهای زیرساختی مانند نبود امکانات سرمایشی در گرمای شدید، فقر تجهیزات آموزشی و دوری از مراکز شهری، فرصت‌های یادگیری را برای دانش‌آموزان این مناطق محدود کرده است. این شرایط نه‌تنها کیفیت آموزش را تحت‌تأثیر قرار داده، بلکه سلامت جسمی و روانی معلمان و دانش‌آموزان را نیز تهدید می‌کند. در چنین فضایی، مدیران مدارس باتکیه‌بر راهبردهای خلاقانه اما مقطعی مانند جلب مشارکت خیرین و استفاده از منابع محلی سعی در جبران بخشی از این نارسایی‌ها دارند.

باوجود چالش‌های موجود، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تحقق عدالت آموزشی در این مناطق نیازمند تحولی ساختاری در سه سطح کلان، میانی و خرد است. در سطح کلان، بازنگری در سیاست‌های توزیع منابع با اولویت‌دهی به مناطق مرزی، طراحی برنامه‌های آموزشی منعطف متناسب با شرایط بومی و اختصاص مشوق‌های ویژه برای جذب و نگهداشت معلمان متخصص ضروری به نظر می‌رسد. در سطح میانی، تقویت ظرفیت‌های مدیریتی مدارس از طریق تفویض اختیارات بیشتر و ایجاد سازوکارهای نظارتی شفاف می‌تواند به بهبود تخصیص منابع کمک کند. در سطح خرد، سرمایه‌گذاری روی آموزش معلمان، توسعه محتوای آموزشی متناسب بافرهنگ محلی و تقویت مشارکت جامعه محلی از طریق برنامه‌های توانمندسازی خانواده‌ها می‌تواند گام مؤثری در کاهش نابرابری‌ها باشد. تجربه مدیران مدارس در این پژوهش نشان می‌دهد که ترکیب رویکرد «بالابه‌پایین» و «پایین‌به‌بالا» با درنظرگرفتن ظرفیت‌های محلی می‌تواند به نتایج ملموس‌تری منجر شود.

در نهایت، این پژوهش بر این نکته تأکید دارد که عدالت آموزشی در مناطق مرزی صرفاً یک مسئله‌آموزشی نیست، بلکه پیش‌نیازی اساسی برای تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار در این مناطق به شمار می‌رود. دستیابی به این هدف مستلزم عزم ملی، هماهنگی بین‌بخشی و برنامه‌ریزی بلندمدت با محوریت نیازهای واقعی این مناطق است. پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده با تمرکز بر ارزیابی اثربخشی سیاست‌های فعلی و الگوبرداری از تجارب موفق مناطق مشابه، بررسی دیدگاه سایر ذی‌نفعان آموزشی، استفاده از روش‌های ترکیبی برای غنی‌تر شدن تحلیل‌ها، راهکارهای عملیاتی‌تری برای سیاست‌گذاران ارائه دهند. همچنین، توجه به نقش فناوری در کاهش شکاف آموزشی و بررسی تأثیر عوامل فرهنگی–اجتماعی بر نابرابری‌های آموزشی می‌تواند به غنای ادبیات این حوزه بیفزاید. آنچه مسلم است، حل مسئله عدالت آموزشی در مناطق مرزی بدون مشارکت فعال تمام ذی‌نفعان از جمله مدیران مدارس، معلمان، خانواده‌ها و نهادهای محلی امکان‌پذیر نخواهد بود.

مشارکت نویسندگان: در پژوهش حاضر؛ طرح تحقیق، فرآیند گردآوری داده‌ها، تحلیل و تفسیر یافته‌ها، توسط محققان و با بحث و تبادل نظر انجام شد.

تشکر و قدردانی: از شرکت‌کنندگان و مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش که ما را در انجام این پروژه یاری نمودند، قدردانی و سپاسگزاری می‌شود.

تعارض منافع: نویسندگان اذعان دارند که در این پژوهش هیچگونه تعارض منافعی وجود ندارد.

تأمین مالی: پژوهش حاضر از هیچ نهادی حمایت مالی دریافت نکرده و کلیه هزینه‌ها بر عهده پژوهشگران بوده است.

بیانیه دسترس‌پذیری داده‌ها: به منظور تأمین شفافیت، داده‌های پشتیبان این پژوهش در صورت درخواست معقول و موجه، توسط نویسنده مسئول ارائه خواهد شد.

بیانیه استفاده از هوش مصنوعی: نویسندگان تصریح می‌کنند که در فرآیند تهیه، نگارش، تحلیل، ویرایش و ترجمه یا آماده سازی این مقاله، هیچ‌گونه کمکی از ابزارهای هوش مصنوعی مولد دریافت نشده است.

تأییدیه اخلاقی: تمامی مراحل پژوهش مطابق با ضوابط و اصول اخلاق در پژوهش اجرا شده است.

References

Ajorloo, N., Yari-Gholi, B., & Golmohammadnejad Bahrami, Gh. (2024). A model of quality education in crowded classrooms: A grounded theory. *Journal of Educational Sciences*, *32*(1), 47–70. https://doi.org/10.22055/edus.2024.45832.3550

Alajmi, M. (2024). Promoting equity and equality in student learning: Principals as social justice leaders in Kuwaiti schools. *International Journal of Educational Management*, *38*(6), 1612–1629. https://doi.org/10.1108/IJEM-12-2023-0651

Arbabi, N., & Sobhani, S. M. J. (2023). Designing a Model of Justice and Equality of Educational Opportunities in Deprived Areas of Sistan and Baluchestan Using Grounded Theory. *Journal of Geography and Human Relations*, *6*(1), 366-378. https://doi.org/10.22034/gahr.2023.405837.1906 [Persian]

Babadi Okasheh, Z., Sharif, S. M., & Jamshidian, A. (2008). Providing and Expanding Equal Opportunities and Educational Justice in Education in Isfahan Province. *Social Welfare Quarterly*, *10*(37), 287-305. http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-319-fa.html [Persian]

Bang, M., & Vossoughi, S. H. (2016). Participatory design research and educational justice: studying learning and relations within social change making. *Cognition and Instruction*, *34*(3), 173-193. https://doi.org/10.1080/07370008.2016.1181879

Bani-Asadi, A., Salehi, K., Khodaei, E., Bagheri, K., & Izanloo, B. (2022). Developing a Rubric for Evaluating Fair Classroom Assessment at the University of Tehran: A Mixed-Methods Exploratory Study. *Journal of Educational Sciences*, *29*(2), 211-234. https://doi.org/10.22055/edus.2022.38188.3261 [Persian]

Bracho González, T., & Hernández Fernández, J. (2009). Equidad educativa: Avances en la definición de su concepto. In *X Congreso Nacional de Investigación Educativa***.**

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, *3*(2), 77-101. https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa

Clayton, J., & Nganga, C. (2022). Leading for equity: How principals experience professional learning. *Journal of Educational Administration*, *60*(6), 614–627. https://doi.org/10.1108/JEA-01-2022-0011

Dahul, A., & Bagheri Tirtashi, P. (2023), A Study of Strategies for Creating Educational Justice in Education, *Fourth International Conference on Educational Sciences, Psychology, Counseling, Education*, https://civilica.com/doc/1969330 [Persian]

Dorban Astaneh, A., & Saadi, S. (2017). Evaluation and Ranking of Educational Justice for Rural People with Disabilities at the Level of Provinces Based on the PROMETHEE Model. *Studies in Educational Planning*. *6*(10), 91-113. https://doi.org/10.22080/eps.2017.1617 [Persian]

Eshuchi, J. C. A. (2014). *The millennium development goals and educational justice: A critical realist analysis of capability deprivation in Kenyan education policy* [Doctoral dissertation, Bielefeld University].

Eslami Harandi, F., Karimi, F., & Nadi, M. A. (2019). Identifying the Components of Educational Justice in Education in Iran. *Quarterly Journal of Research in Educational Systems*, *13*(47), 55-75. https://doi.org/10.22034/jiera.2019.150212.1645 [Persian]

Fraser, N. (2008). Scales of justice: Reimagining political space in a globalizing world. *Columbia University Press*.

Fuller, B., & Clarke, P. (1994). Raising school effects while ignoring culture? Local conditions and the influence of classroom tools, rules, and pedagogy. *Review of Educational Research*, 64, 119 – 157. https://doi.org/10.3102/00346543064001119

Ghasemi Ardehaei, A., Heydarabadi, A., & Rostami, N. (2011). The Family Background of Inequality in Educational Opportunities (A case Study of female high school students in Ahar. *Sociology of Youth Studies*. *1*(1), 125-147. https://sanad.iau.ir/Journal/ssyj/Article/977283 [Persian]

Gooden, M. A., Khalifa, M., Arnold, N. W., Brown, K. D., Meyers, C. V., & Welsh, R. O. (2023). *A culturally responsive school leadership approach to developing equity-centered principals: Considerations for principal pipelines*. The Wallace Foundation. https://doi.org/10.59656/EL-LS5949.001

Grumme, B. (2017). Educational justice due to more education? Requests for a solution strategy. *Education Sciences*, *7*(1), 21. https://doi.org/10.3390/educsci7010021

Heydarzadegan, A., & Sandoughdaran, M. H. (2017). Educational Opportunities for Nomadic Students in Sistan and Baluchestan Province (Equal or Unequal). *Studies in Educational Planning*, *6*(11), 159-175. https://doi.org/ 10.22080/eps.2017.1725 [Persian]

Hossein Bar, Y., Naderi, E., & Seif Naraghi, M. (2021). Investigating Educational Inequalities in Sistan and Baluchestan Compared to National Indicators and Presenting a Model for Achieving Educational Justice with Emphasis on the Philosophy of Islamic Education. *Quarterly Journal of Educational and School Studies*, *10*(3), 383-413. https://doi.org/20.1001.1.2423494.1400.10.3.16.5 [Persian]

Karimi, Z., Bagheri, M., Ikrami, M., Khorramabadi, I., & Shakeri, E. (2024). A review of educational findings: factors affecting educational justice, *First International Conference of Top Teachers, Suleiman Mosque*, https://civilica.com/doc/2164287 [Persian]

Keramati, M. R., Pourkarimi, J., Zali, F. (2017). comparison of the educational space of public and non-public schools, the case study : Karaj high schools, *School Management Quarterly*, 5(1): 51-72. https://jsa.uok.ac.ir/article_49309.html [Persian]

Küçükakın, P. M., & Gökmenoğlu, T. (2023). Rethinking school leadership for equity, diversity and social justice in education: The case of Northern Cyprus. *International Journal of Leadership in Education*, *26*(3), 381–400. https://doi.org/10.1080/13603124.2023.2224752

Landi, D., Lynch, S., & Walton-Fisette, J. (2020). The A–Z of social justice physical education: Part 2. *Journal of Physical Education, Recreation & Dance*, *91*(5), 20-27. https://doi.org/10.1080/07303084.2020.1739433

Levin, H. M. (2009). The economic payoff to investing in educational justice. *Educational Researcher, 38*(1), 5–20. https://doi.org/10.3102/0013189X08331192

Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Sage Publications.

LoBue, A. (2022). Leadership for educational equity for principals in New York State: Policy challenges and opportunities. *Journal of Educational Administration and History*, 55(2), 111–127. https://doi.org/10.1080/00220620.2022.2061925

Mareng, C. (2010). Development of women's education in Kenya. *International NGO Journal*, *5*(3), 68–73.

Mahmoudi, M., Mahmoudi, M., & Ghoreishi, S. A. (2023). Identifying and Ranking Key Factors Affecting Educational Justice and Presenting its Appropriate Model in Ahvaz University of Medical Sciences. *Journal of Educational Sciences*, *30*(1), 81-100. https://doi.org/10.22055/edus.2023.41039.3372 [Persian]

Marina, V., Gillmore, M., & Sullivan, A. (2014). Teachers' beliefs about educational justice in Advancement via Individual Determination (A.V.I.D.) *program, Universa Journal of Educational Research*, 2(3), 299-308. https://doi.org/10.13189/ujer.2014.020313

Meyer, K. (2021). Talents, abilities and educational justice. *Educational Philosophy and Theory*, 53(8), 799-809. https://doi.org/10.1080/00131857.2020.1742696

Mohammadpour, A. (2019). Qualitative research method: Anti-method – Philosophical foundations and practical procedures in qualitative methodology (M. Hoomandi, Ed.). Tehran: Logos. [Persian]

Nowell, L. S., Norris, J. M., White, D. E., & Moules, N. J. (2017). Thematic analysis: Striving to meet the trustworthiness criteria. *International Journal of Qualitative Methods, 16*, 1–13. https://doi.org/10.1177/1609406917733847

Pahang, N., Mahdavion, R., & Yarigholi, B. (2017). Investigating the Quality of Schools and Identifying Related Effective Factors: A Mixed Research, *Journal of School Administration*, 5(1): 173 – 193. https://www.magiran.com/p1757118 [Persian]

Mujiburrohman, & Putri, D. (2024). The impact of social inequality on educational quality in Indonesia: Challenges and policy recommendations. *Solo Universal Journal of Islamic Education and Multiculturalism, 3*(1), 43–56. https://doi.org/10.61455/sujiem.v3i01.248

Radmehr, A., Shafaat, F., Soufi, F., & Khademi, R. (2026). Designing and evaluating an innovative curriculum to achieve diversity, equity, and inclusion in Iran's higher education system. *Journal of Research and Innovation in Education and Development*, 6(3), 1-21. https://doi.org/10.61838/jsied.485 [Persian]

Raiesi, S. M. (2026). Sociological explanation of the role of student informal network structures in the reproduction of educational inequalities. *Journal of Research and Innovation in Education and Development*, 6(2), 1-14. https://doi.org/10.61838/jsied.448 [Persian]

Rezvani, A., Parish, F., & Kazemi, S. (2020). Identifying the factors creating educational equity in teaching-learning environments and obstacles to its expansion. *Journal of New Advances in Behavioral Sciences*, 5(53), 25-38. https://ijndibs.com/article-1-549-fa.html [Persian]

Rodriguez, A. J., & Morrison, D. (2019). Expanding and enacting transformative meanings of equity, diversity and social justice in science education. *Cultural Studies of Science Education*, 14, 265-281. https://doi.org/10.1007/s11422-019-09938-7

Roostaie, S., Naimi, K., & Mahmoudi, S. (2016). A spatial analysis of educational inequalities and its role in urban social sustainability using spatial statistics methods (Case study: Saqqez city). *Social Welfare and Development Planning*, 7(26), 61-99. https://doi.org/10.22054/qjsd.2016.4884 [Persian]

Sadat Ghoreishi Khorasgani, M., Nazarzadeh Zare, M., & Bahrami, B. (2021). Investigating the Situation of Educational Equity in the Public Schools in Tehran. *School Management Quarterly*, 9(1), 262-288. https://jsa.uok.ac.ir/article_61868.html [Persian]

Sadat Hosseini Vaez, M., Samari, I., & Fazlollahi Ghomshei, S. (2017). A comparative study of facilities, spaces and educational equipment of primary schools in Qom city with Iranian standard indicators, National Conference on New Research in Iran and the World in Psychology, Educational Sciences and Social Studies, November 16, *Shiraz International Campus Conference Center*, 2. https://sid.ir/paper/897271/fa [Persian]

Samari, M., Hosseini, M., Seyed Abbaszadeh, M. M., & Mousavi, M. N. (2015). Analyzing the Situation and Presenting a Model for Reducing Educational Inequalities and Promoting Justice Based on Religious Teachings and the Values of the Islamic Revolution (Case Study: Secondary School Students in West Azerbaijan Province). *Islamic Education*. 20, 77-98. https://www.magiran.com/p1390865 [Persian]

Shirkami, J., & Bakhtiarpour, S. (2014). Evaluating Inequalities in Access to Educational Opportunities: A Case Study of Elementary Schools in Dehloran City in the Academic Year 2011-2012. *Education and Evaluation*. 7(26), 41-58. https://sanad.iau.ir/Journal/jinev/Article/972541 [Persian]

Theoharis, G. (2007). Social justice educational leaders and resistance: Toward a theory of social justice leadership. *Educational Administration Quarterly*, 43(2), 221–258. https://doi.org/10.1177/0013161X06293717

Turhan, M. (2010). Social justice leadership: implications for roles and responsibilities of school administrators, *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 9, 1357 – 1361. https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2010.12.334

Yamani, N,. Shaterjalali, M,. & Eghbali, B. (2017). Educational justice from the perspective of postgraduate students in a medical school in Iran: qualitative study. *Reserch and Development in medical Education(RDME)*, 6(1), 23-28. https://doi.org/10.15171/rdme.2017.005

Ying, B., & Hatta, Z. A. (2025). Technological resources, teacher-student ratio differences, and educational inequality between urban and rural areas in China. *International Journal on Recent Trends in Business and Tourism (IJRTBT)*, *9*(1), 14-23. https://doi.org/10.31674/ijrtbt.2025.v09i01.002

Zare Shahabadi, A., & Bonyad, L. (2014). Investigating the factors affecting educational inequality among students in Kazerun city. *Sociological Studies of Youth*, *4*(13), 39–68. https://www.magiran.com/p1344951

Zeinabadi, H. (2023). Breaking down the walls of weak knowledge-sharing among Iranian teachers: Investigating a less-considered leadership role of principals. *Educational Management Administration & Leadership*, *51*(1), 176–197. https://doi.org/10.1177/1741143220968160